

با رویکرد امنیتی در افق ۲۰۲۵

مسعود علی حسینی^۱

ساسان زارع^۲

مهدی علی کاظمی^۳

میلاذ گازرانی^۴

امیر حسین ظرافتی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

فصلنامه آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و چهارم - پاییز ۱۳۹۸

چکیده

کشور ایران همواره از تجربه تلخی در مناسبات خود با انگلستان برخوردار بوده است. انگلستان هم‌زمان در سه حوزه اروپایی، انگلیسی - امریکایی (انگلو - امریکن) و انگلیسی، روابط خارجی خود را با جمهوری اسلامی ایران تنظیم می‌کند. باتوجه به تنش‌ها و اختلافات موجود میان ایران و امریکا در سه دهه گذشته و فقدان مناسبات دیپلماتیک رسمی میان این دو کشور و نیز اتحاد نزدیک و یا روابط ویژه امریکا و انگلیس، نقش و قدرت تأثیرگذاری حوزه انگلو - امریکن بر سیاست خارجی انگلستان نسبت به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. پژوهش حاضر از روش ترکیبی روندپژوهی و سناریونویسی استفاده نموده و آینده نفوذ انگلستان در جمهوری اسلامی ایران را در افق ۲۰۲۵ مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد. بدین‌منظور، به بررسی نفوذ این کشور از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ پرداخته و نفوذ انگلستان در ایران، اتفاقات، رویدادها و تعاملات ایران و انگلستان را در سال‌های پس از آن تاکنون بررسی شده است. همچنین به بررسی نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی در بازه زمانی مذکور براساس محورهای اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی - اجتماعی پرداخته و آن را نقد و بررسی نموده و معنی‌داری این چهار مؤلفه با نفوذ انگلستان در ایران بررسی شد. در پایان، براساس سناریوهایی مربوط به محیط امنیتی ایران از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۵، چند سناریوی عمده طراحی شد که این سناریوها شامل مؤلفه‌های خوشبینانه، بی‌طرفانه و بدبینانه در قالب فرصت‌ها و چالش‌های تغییر در محیط راهبردی ایران، تغییر در محیط راهبردی منطقه‌ای ایران، الگوهای مدیریت منازعه و الگوهای تعاملی که در موضوع نفوذ انگلستان در ایران وجود دارد، آمده است.

واژگان کلیدی

روندپژوهی؛ نفوذ؛ انگلستان؛ امنیت؛ جمهوری اسلامی ایران

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد رشته مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

masoud_alihoseini@yahoo.com

zaresasan@ihu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

۳. کارشناسی ارشد رشته مهندسی صنایع، گرایش برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها دانشگاه آزاد اسلامی

monadi.m313@chmail.ir

mgazerani@yahoo.com

۴. کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی

zftrai@chmail.ir

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی

آینده‌پژوهی و علم سیاست دو حوزه مطالعاتی هستند که تعاملات اساسی با هم دارند. ازطرفی آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه بین‌رشته‌ای، دستیابی و شناسایی رویدادها، روندها و کلان‌روندهای مؤثر در عرصه‌های شکل‌گیری تحولات سیاسی آینده و درنهایت دستیابی به تصویر آینده را برای ما ممکن و مهیا می‌سازد (میرخلیلی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). تحلیل روند (روندپژوهی) یکی از بخش‌های مهم مطالعات آینده‌پژوهی است که با روش‌های مختلفی انجام می‌شود. پیش‌بینی روندها یکی از محورهای کلیدی در مطالعات آینده‌پژوهی محسوب می‌شود و در عموم این مطالعات، برون‌یابی یا پیش‌بینی روند با یکی از روش‌های مدل‌سازی کمی انجام می‌شود. آنچه که این نوع پیش‌بینی‌ها را دچار چالش می‌کند، زیر سؤال قرارگرفتن پیش‌فرضی است که در این نوع پیش‌بینی‌های کمی وجود دارد؛ یعنی فرض تداوم روند گذشته در آینده. در واقع، بسیاری از روندها به‌دلیل بروز برخی رویدادها، دچارگسست شده و تداوم پیدا نمی‌کنند. درنتیجه، مدل‌های پیش‌بینی که با فرض ادامه وضع موجود ساخته می‌شوند، نمی‌توانند پیش‌بینی قابل‌قبولی ارائه کنند. به‌عبارت‌دیگر، مدل‌های برون‌یابی روند معمول برای ساختارهایی که دارای پایداری بالا هستند و عدم قطعیت کم‌تری دارند، به‌کار می‌روند (جعفرزاده‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۰ - ۵۹).

براساس دسته‌بندی گلن و گوردون، مطالعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده دو محور اصلی اکتشافی و هنجاری است. هدف در مطالعات اکتشافی، شناخت آینده‌های ممکن و محتمل و در مطالعات هنجاری، طراحی آینده‌های مرجح و مطلوب است. در این نوع مطالعات باتوجه‌به اهداف مطالعه، روش‌های مختلفی استفاده می‌شود که می‌توان آنها را به دو گروه اصلی روش‌های کمی و روش‌های کیفی طبقه‌بندی کرد. یکی از روش‌های کمی پرکاربرد برای پیش‌بینی، تحلیل سری‌های زمانی و برون‌یابی روندها است که به کمک مدل‌سازی‌های کمی و آماری، به پیش‌بینی شاخص‌ها و متغیرها می‌پردازد. پاسینیلی در یک بررسی که روی روش‌های تحلیل سری‌های زمانی انجام داده است، مهم‌ترین محدودیت‌های این روش‌ها را اتکا به داده‌های تاریخی و الگوی گذشته و مفروضاتی مانند تداوم روند گذشته مطرح کرده است (پاسینیلی^۱، ۲۰۰۹: ۸۵).

روش تحلیل تأثیر روند در اوایل دهه ۷۰ میلادی توسط گوردون پدید آمد. در آن زمان روش‌های کمی براساس داده‌های تاریخی و ازطریق برون‌یابی روند با هدف ایجاد پیش‌بینی استفاده می‌شد، اما چنین روش‌هایی تأثیر اتفاقات غیرمنتظره در آینده را نادیده می‌گرفتند. این اشکالات برای تمام روش‌های کمی که فقط به داده‌های تاریخی وابسته



هستند (از سری‌های زمانی گرفته تا دیگر روش‌های متداول)، وارد است. روش تحلیل روند، روش‌های عددی را پایه‌ای برای پیش‌بینی‌های خود قرار می‌دهد؛ اما با استفاده از رخدادهای محتمل‌الوقوع در آینده از دید کارشناسان (عموماً استفاده از روش دلفی و با استفاده از نرم‌افزارهای آماری لیزرل، اکسل و...) سعی در بهبود پیش‌بینی کمی اولیه دارد (عباسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱). در این پژوهش به بررسی نفوذ انگلستان در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم و از رهگذر رویکرد امنیتی به این موضوع نظر خواهیم افکند. در این راستا، از روش تحلیل روند استفاده نموده و آینده نفوذ انگلستان در جمهوری اسلامی ایران را در افق زمانی ۲۰۲۵ مورد نقد و ارزیابی قرار خواهیم داد. بدین‌منظور، به بررسی نفوذ این کشور از زمان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۸ خواهیم پرداخت و نفوذ انگلستان در ایران، اتفاقات، رویدادها و تعاملات ایران و انگلستان در سال‌های پس از آن تاکنون را بررسی خواهیم نمود. آنچه که در این تحقیق مورد پرسش و پاسخ قرار خواهد گرفت این است که آینده نفوذ انگلستان در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امنیتی در افق ۲۰۲۵ به چه صورت است و چگونه محقق خواهد شد؟ براساس مطالعات انجام شده و یافته‌های پژوهش، به این سؤال پاسخ خواهیم داد.

بررسی روابط بین ایران و انگلستان

در بررسی اجمالی روابط ایران و انگلستان باید گفت کشور انگلستان یکی از کهن‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین قدرت‌های استعماری جهان محسوب می‌شود. کشوری که سابقه استعماری آن به‌گواه اسناد موجود و متقن تاریخی به اوائل قرن شانزدهم میلادی و به‌ویژه به دوران تشکیل "کمپانی هند شرقی انگلستان" در سال ۱۶۰۰ میلادی برمی‌گردد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲). انگلستان هم‌زمان در سه حوزه اروپایی، انگلیسی - امریکایی (انگلو - امریکن) و انگلیسی، روابط خارجی خود را با جمهوری اسلامی ایران تنظیم می‌کند. باتوجه‌به تنش‌ها و اختلافات موجود میان ایران و امریکا در سه دهه گذشته و فقدان مناسبات دیپلماتیک رسمی میان این دوکشور و نیز اتحاد نزدیک و یا روابط ویژه امریکا و انگلیس، نقش و قدرت تأثیرگذاری حوزه "انگلو - امریکن" بر سیاست خارجی بریتانیا نسبت به ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. ازسوی دیگر، بریتانیا یکی از اعضای شاخص و برجسته اتحادیه اروپایی است که در تنظیم مناسبات اتحادیه اروپا با ایران نقش بنیادینی را ایفا نموده که گاه این نقش یادآور نقش سنتی این کشور در عصر زرین دیپلماسی در اواخر قرن نوزدهم به‌عنوان یک قدرت «موازنه‌دهنده» است (خانی، ۱۳۹۲).

روابط انگلیس با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهی بر این مدعاست که

سیاست خارجی این کشور از نوعی استمرار و تغییر برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که ویژگی اصلی آن را نوعی «دشمنی توأم با حفظ ارتباط رسمی» با ایران شکل داده است.

بررسی تحولات و رویدادهای مهم در سه دهه گذشته در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی و نیز در روابط خارجی ایران با انگلستان و امریکا نشانگر پیچیدگی‌هایی است که تلاش برای درک فرایند تأثیر متقابل منافع این سه بازیگر را بیش از پیش ضروری می‌سازد. در توضیح این مطلب، باید افزود که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و وقوع جنگ تحمیلی عراق با ایران نوع رویکرد و سیاست خارجی انگلیس با نظام برآمده از انقلاب اسلامی مردم ایران از ماهیتی خصمانه برخوردار بوده است که کم‌تر حاکی از تمایل و علاقه‌مندی به همکاری و حتی پذیرش موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. نوع برخورد انگلیس و اتحادیه اروپایی در رخداد‌های سال‌های اخیر، این موضوع را از زوایای مختلف تأیید می‌کند (ولدانی، ۱۳۸۷).

ملت ایران برای رسیدن به اهدافی که بر مبنای آن انقلاب کرده بود، باید نوعی جابه‌جایی را در شئون مختلف کشور ایجاد می‌کرد. بر همین اساس، جمهوری اسلامی تصمیم گرفت در راه بازسازی هویت نوین خویش، رهنامه (دکترین) «استقلال سیاسی» را عامل اصلی و تعیین‌کننده در روابط خارجی کشور بداند و جهت‌گیری تازه‌ای در روابط خارجی خود اتخاذ کند. این تغییر جهت در ارتباط با اروپا و به‌ویژه انگلیس، باتوجه به دو قرن رابطه سؤال‌برانگیز و به‌هم‌پیچیده مناسبات خارجی دولت ایران با این خطه از عالم، نمود بیشتری داشت و اساس روابط قبلی را زیر و رو کرد. مسلماً حاصل این فرایند با بروز مشکلات فراوانی همراه بود که کشورهای غربی در مسیر جابه‌جایی‌های صورت‌گرفته در مبنای سیاست خارجی ایران ایجاد کردند. برای بررسی تغییرات ایجادشده در نگاه اول باید به تصویری که از انقلاب اسلامی در انگلستان وجود داشته است، اشاره کرد (بارز، ۱۳۶۵).

با نگاهی به سه دهه گذشته روابط جمهوری اسلامی ایران با انگلیس مشاهده می‌شود که این تفسیر کلی کم‌وبیش در خصوص شرایط مناسبات دو کشور به دوره بعد از انقلاب اسلامی تاکنون نیز قابل تسری است. هرچند که در شرایط متفاوت و به‌تناسب موضوعات، رنگ دوستی‌ها و نفرت‌ها پررنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر شده است. این سرشت عشق و نفرت در روابط تاریخی ایران و انگلیس که بر اساس منافع و اهداف سیاست خارجی دو کشور در دوره‌های مختلف استوار بوده است، خود نتیجه و برآیند تأثیرگذاری متقابل عوامل و متغیرهای گوناگونی است (حسینی‌متین، ۱۳۸۷). باتوجه به گذشت بیش از سه دهه و نیم از انقلاب اسلامی، روابط سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران و انگلیس در سه مرحله به شرح ذیل تقسیم بندی می‌شود:



مرحله اول: روابط دو کشور از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۶۷ - ۱۳۵۷)؛

مرحله دوم: روابط دو کشور از طرح قضیه سلمان‌رشدی تا بحران ناشی از صدور رأی دادگاه میکونوس (۱۳۷۷ - ۱۳۶۷)؛

مرحله سوم: روابط دو کشور از چشم‌انداز تحول در روابط طرفین تا انتصاب کارداران غیرمقیم (۱۳۹۲ - ۱۳۷۷).

درخصوص بررسی آثار عینی تعامل سه‌جانبه بر سیاست اتحادیه نسبت به ایران باید افزود که ناگزیر از بررسی دو نوع کنش متقابل هستیم؛ یکی بررسی کنش متقابل یا الگوی تعامل هر سه شریک (امریکا، بریتانیا و اتحادیه) با هم، و دیگری، الگوی اثرگذاری محور ویژه امریکا و انگلیس بر سیاست اتحادیه نسبت به ایران. هرچند این دو از هم خیلی قابل تفکیک نیستند و ما چاره‌ای جز توجه هم‌زمان به آنها نداریم، اما برای درک روشن‌تر و سهل‌تر موضوع، مناسب است الگوی اثرگذاری محور امریکا - بریتانیا نیز از الگوی تعامل سه‌جانبه تفکیک شود. هرچند که در نتیجه‌گیری نهایی و دستیابی به الگوی نهایی، هر دو نوع کنش متقابل مورد توجه خواهد بود. در این راستا، به‌نظر می‌آید سیاست اتحادیه به‌دلیل تأثیرگذاری متغیرهای سیاسی متفاوت، طی سه دهه گذشته همواره با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده است که پیچیدگی آن را تشدید کرده است. علت اصلی این امر را باید برآیند تأثیرگذاری متقابل چند عامل و متغیر مهم دانست: سیاست خارجی و منافع تاریخی بریتانیا در رابطه با منطقه و ایران؛ فرصت‌ها و مزیت‌های ایران برای اتحادیه اروپا؛ سیاست خصمانه امریکا نسبت به ایران و تأثیر آن بر روابط اروپا با ایران و نقش انگلستان در ارتباط میان دو سوی آتلانتیک (اروپای دنبال روابط با ایران و امریکای دنبال انزوای سیاسی ایران). (سولومون و کوینی،^۱ ۲۰۱۰).

در مطالعه کشورهای غرب آسیا باید به این نکته توجه کرد که وجود گسست هویتی، به فقدان انسجام اجتماعی و ضعف کلی فرایند دولت - ملت‌سازی در جهان سوم اشاره دارد که بازمانده دوران استعمار و امپریالیسم است. بر همین اساس، دولت‌های جهان سوم فاقد ویژگی دولت هستند؛ یعنی دارای هویت ملی منسجم و رسوخ ناپذیری هستند. بنابراین، استحکام و یکپارچگی دولت - ملت در مناطقی مانند غرب آسیا ازسوی جریان عمیقی که ریشه در بهره‌برداری و دخالت‌های گسترده خارجی دارد، دچار چالش می‌شود. (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰).

منطقه غرب آسیا و خلیج فارس که در هنگامه جنگ جهانی اول برای انگلستان و

امریکا یک منطقه دست‌نیافتنی محسوب می‌شد، از جنگ جهانی دوم وارد حوزه راهبردی آن کشور شده است. از آن هنگام تاکنون، سیاست‌های انگلستان و آمریکا در این منطقه بنابر تحولات و مقتضیات، دچار تغییراتی شده است، اما هدف اصلی آن تغییری نکرده است. مقصود از هدف اصلی، همانا تطبیق اوضاع سیاسی منطقه با فرایند تسلط و حضور مستقیم در منطقه است (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲). کشورهای مطرح نظام بین‌الملل در راستای تحقق اهداف جهانی خود، به این نتیجه رسیده‌اند که مطلوب‌ترین شیوه، همانا تفاهم درعین رقابت است. هدف رقابت، حذف دیگر بازیگران نیست، بلکه حداکثر نمودن سهم به‌دست‌آمده از منابع متعلق به کشورهای مستقر در آفریقا و آسیاست. از میان رفتن تعارضات ایدئولوژیکی که در چارچوب آن بازیگران برتر براساس منطق حاصل جمع جبری صفر به روابط می‌نگریستند، سبب شده است که کشورهای مطرح نظام بین‌الملل براساس منطق حاصل جمع جبری مضاعف، کیفیت تعاملات را فعال سازند. چنین نگرشی باعث می‌شود که هزینه‌های مترتب بر تحقق سیاست‌ها و اهداف به‌شدت کاهش و به همان نسبت بهره‌ها افزایش یابد. نظم مستقر، منافع تمامی بازیگران برتر نظام بین‌الملل را تأمین می‌کند، هرچند که میزان بهره‌مندی متفاوت است. این امر باعث تعارض بین این بازیگران نمی‌شود؛ چراکه جایگاه و مرتبت آنان هم‌تراز نیست. این بازیگران راهبردهای متفاوتی را دنبال می‌کنند، اما همگی آنان نظم حاکم را هم‌سو با نیازها و منافع خود می‌یابند. انگلستان و آمریکا سیاست‌های کلان خود را دگرگون کردن جغرافیای ارزشی خاورمیانه عربی قرار داده‌اند. در این مسیر، ضرورت اساسی دارد که هر دو ایده پان‌عربیسیم و پان‌اسلامیسیم، جایگاه گفتمان‌های حاکم در منطقه را ازدست بدهند و به حاشیه رانده شوند. در رابطه با پان‌عربیسیم عملاً این ضرورت محقق شده است (دهشیار، ۱۳۹۰).

مروری بر تحقیقات انجام‌شده

در سال‌های اخیر کشورهای زیادی، مراکز آینده‌پژوهی و یا ایجاد آن به‌عنوان یک رشته جدید و کاربردی دانشگاهی را تأسیس نموده‌اند. بنابراین، طی سال‌های اخیر از سوی کشورها، نهادها، مؤسسات ملی و بین‌المللی، تحقیقات آینده‌پژوهی با دو نگاه ملی و بین‌المللی صورت گرفته است (فاتح‌راد و همکاران، ۱۳۹۳).

در اینجا به مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته آینده‌پژوهی با نگاه بین‌المللی می‌پردازیم:



ردیف	عنوان	مؤسسه انجام دهنده	سال انجام
۱	سناریوهای جهانی سال ۲۰۲۵	مؤسسه بین‌المللی NIC	۲۰۰۵
۲	برنامه استراتژیک روندهای جهانی سال ۲۰۰۷ - ۲۰۳۶	وب سایت DCDC	۲۰۰۷
۳	گرایش‌های جهانی ۲۰۳۰	شورای اطلاعاتی امریکا	۲۰۱۰
۴	گزارش اروپایی با عنوان گرایش‌های جهانی ۲۰۳۰	انستیتوی مطالعات استراتژیک ^۱	۲۰۱۵
۵	گفتگو درمورد آینده با کارشناسان غیر دولتی	مؤسسه بین‌المللی NIC	۲۰۱۵
۶	روندهای جهانی ۲۰۲۰	مؤسسه بین‌المللی NIC	۲۰۲۰

در این قسمت به بررسی برخی تحقیقات در این زمینه اشاره‌ای می‌شود.

۱. جهانبخش محبی‌نیا (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "روابط سینوسی ایران و انگلیس پس از انقلاب اسلامی" به بیان این موضوع پرداخت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و انگلیس شاهد تنگناهای منحصربه‌فردی بوده که دلیل عمده آن عدم پذیرش واقعیات جدید بعد از انقلاب توسط انگلیسی‌ها بوده است. در تحلیل این موضوع می‌توان به دیدگاه تقابلی این کشور در ارتباط با ایران اشاره کرد. در این مقاله سعی شده است تا به بررسی افت‌وخیز روابط ایران و انگلستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شود.

۲. محمد شورمیچ (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر روند قدرت‌گیری انگلیس در خلیج فارس (از اواسط صفویه تا پایان نیمه اول قاجاریه ۱۰۳۰ - ۱۲۶۴ ق/۱۶۲۰-۱۸۴۷م)" به ذکر این موضوع پرداخت که خلیج فارس همواره از مناطق بسیار حساس، سوق‌الجیشی و تجاری غرب آسیا بوده است. از این رو، در طول تاریخ منشأ تحولات متنوعی شده است. از مسائل بسیار مهم و قابل‌بحث در خلیج فارس، بررسی چگونگی سلطه استعمارگران، به‌خصوص انگلیسی‌ها بر کرانه‌های ساحلی آن و به‌ویژه کرانه‌های تحت حاکمیت ایران است. در این پژوهش، چگونگی روند قدرت‌گیری انگلیس و تضعیف قدرت سیاسی ایران در کرانه‌های خلیج فارس از اواسط حکومت صفوی تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه (۱۰۳۰ - ۱۲۶۴ ق.) تحلیل و بررسی می‌شود. مسئله و هدف اصلی پژوهش، بررسی چگونگی قدرت‌یابی قبایل و اعراب محلی در منطقه خلیج فارس و سیاست انگلیس در تقویت آنها و سلطه بر منطقه است.

۳. محمد شکرانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "کینه‌توزی خانم ماگرت تاچر علیه انقلاب اسلامی ایران" درمورد روابط ایران و انگلستان این موضوع را بیان نمود که روابط



ایران و انگلستان بعد از انقلاب اسلامی و در دوران دهساله حکومت تاجر هیچ‌گاه سالم نبوده و هرگاه دریچه‌ای برای از سرگیری روابط باز می‌شد، مدت زمان کوتاهی نمی‌گذشت که روابط با وقوع یک حادثه دوباره به‌شدت تیره می‌شد. نویسنده در این مقاله درصدد است، فرازونشیب‌هایی را که در این روابط به‌وجود آمده است، ترسیم نماید.

۴. دیوید پیروپونت (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "سیاست بریتانیا در ایران و روابط با اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶"، به تحقیق درمورد سیاست انگلیس درقبال ایران بین کنفرانس یالتا^۱ و حل بحران ایران از اوایل سال‌های ۱۹۴۶ و تأثیر پس از آن از این سیاست‌ها بر رابطه او با شریک خود، اتحاد جماهیر شوروی پرداخت. وی در این تحقیق به بررسی نفوذ سفارت بریتانیا در تهران پرداخت و موضوع روابط خارجی ایران و انگلستان را در سایه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی مورد نقد و بررسی قرار داد.

۵. تیم رایبنسون (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "روابط میان بریتانیا و ایران" به بیان این مطلب پرداخت که روابط با انگلستان از زمان انتخاب دکتر حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۳ بهبود یافته است که این بهبود منتج از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ و انتصاب نیکلاس هاپتون^۲ به عنوان سفیر در سپتامبر ۲۰۱۶ بوده است. دستگیری نازنین زاغری^۳ و دیگر شهروندان بریتانیا، احتمالاً به‌علت اتهامات برای انگلستان و دیگر مشکلات سیاسی و حقوق بشر، موجب تضعیف روابط با بریتانیا و دیگر کشورهای غربی شد. راهبرد رابطه ایران و سوریه و معاملات تجاری بین ایران و بریتانیا موجب شد دیدگاهی تازه در رابطه این دوکشور ایجاد شود.

۶. سیدحسین میرخلیلی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان درآمدی بر کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست به بیان این موضوع پرداخت که آینده‌پژوهی و علم سیاست دو حوزه مطالعاتی هستند که تعاملات اساسی با هم دارند. برای تحلیل تعاملات بین این دو علم و روشن‌ساختن کاربرد آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی ابتدا باید نسبت این دو دانش را با یکدیگر بررسی کرد. علم سیاست به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی نظر دارد. براساس آنچه در علم سیاست مرسوم است: تحلیل سیاسی به انسان

۱. کنفرانس یالتا یا کنفرانس کریمه چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی دوم از چهارم تا یازدهم فوریه سال ۱۹۴۵ به مدت هشت روز در کاخ تزارها در شهر یالتا واقع در شبه جزیره کریمه برگزار شد. در این کنفرانس آقای فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور آمریکا و آقای وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان از یک سو و آقای جوزف استالین از سوی دیگر عمدتاً درباره سرنوشت کشورهای اروپایی پس از پایان جنگ به بحث پرداختند. این کنفرانس پس از کنفرانس تهران (۱۹۴۳) و پیش از کنفرانس پتسدام (جولای ۱۹۴۵) برگزار شد.

2. Nicholas Hapton

۳. خانم نازنین زاغری تبعه ایرانی - انگلیسی است که در تاریخ ۱۵ فروردین سال ۱۳۹۵ توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه کرمان در فرودگاه امام خمینی (ره) دستگیر و به کرمان منتقل شد.



کمک می‌کند تا جهانی را که در آن زندگی می‌کند، بهتر بشناسد و از میان شقوق گوناگون پیش روی خویش، بهترین را انتخاب کند و بالاخره موفق شود بر تغییرات کوچک و بزرگ که هر کدام یکی از جنبه‌های لاینفک زندگی می‌باشند، تأثیر بیشتر بگذارد. اگر آینده را متشکل از تعامل چهار عنصر رویدادها، روندها، تصویرها و اقدامات بدانیم، مطالعه و پردازش افق‌های آینده و به‌دست‌آوردن تصویر روشن و مطلوب از آن در گرو شناخت تغییرات و تحولات و نحوه مواجهه با آنهاست. ارائه چهارچوبی منسجم و دستیابی به درک نظام‌مند از پاسخ‌های محتمل به این تغییرات و تحولات نیازمند ابزارها، راهبردها و اقداماتی است. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک دانش کاربردی یکی از ابزارهایی است که در تحقق و ایجاد این امر به ما کمک می‌کند. آینده‌پژوهی با نگاه آگاهانه، دقیق و با استفاده از روش‌ها و فنون خود به ارائه راهکارهایی پیرامون مواجهه و مدیریت تغییرات و تحولات و ایجاد یک چشم‌انداز جامع و عملی از آینده علم سیاست می‌پردازد. بنابراین، شناخت تغییرات و تحولات در عرصه مطالعات سیاسی، تصمیم‌گیران و سیاست‌مداران را نسبت به تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق‌تر یاری می‌نماید و آنها را برای مواجهه فعالانه‌تر با چالش‌های پیش رو آگاه می‌سازد، علاوه‌براین، روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند موجب توسعه مطالعات سیاسی شود. این مهم تنها از طریق شناخت وجوه کاربردی روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات سیاسی امکان‌پذیر است. در این مقاله سعی شده است تا کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

در روش‌شناسی، پس از طرح هدف اصلی، به مطالعه و بررسی روش‌های مورد استفاده در تحقیق که شامل دو مرحله (فن کیفی و روش کمی) است، پرداخته می‌شود. پژوهشگر با استفاده از روش تحقیق کمی می‌تواند جنبه‌های مشاهده‌پذیر یک پدیده را که قابل اندازه‌گیری است، مورد بررسی قرار دهد. از آنجاکه انتخاب روش تحقیق، متأثر از اهداف تحقیق است، از این‌رو محقق باید روشی را انتخاب نماید که این روش ضمن برخورداری از حداکثر مزایا و حداقل معایب، حصول به اهداف تحقیق را تضمین نماید. در تحقیق حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مسیر و از نرم‌افزار "لیزرل"^۱ که باعث برقراری روابط بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل می‌شود و همچنین از روش "تحلیل عاملی"^۲ و نرم‌افزار "اس پی اس اس"^۳ استفاده شده است.

این تحقیق در دو مرحله اکتشافی و تحلیلی انجام گرفته است. در بخش اول از فن دلفی استفاده شد. به منظور دستیابی به روش‌های نفوذ انگلستان در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد امنیتی می‌باید نخست از عقاید و آراء متخصصان و کارشناسان این رشته در مورد روابط دو کشور ایران و انگلستان و نیز پشت‌پرده این روابط آگاهی یابیم. برای دستیابی به این مهم، ضمن بررسی کتاب‌ها و مقالات متعدد داخلی و خارجی و مصاحبه با خبرگان حوزه و دانشگاه، با استفاده از تجارب و آموخته‌های ایشان، مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده که بیشترین فراوانی و تأکید را از سوی کارشناسان داشتند، جمع‌آوری شده و در نهایت، پرسشنامه تحقیق آماده و پس از اخذ روایی و تعیین پایایی میان نمونه‌های تحقیق توزیع شد. در بخش کمی همچنین نوع مطالعه، توصیفی و به روش پیمایشی است و اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده مورد تجزیه و تحلیل‌های آماری قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر در مرحله اول ۱۵ نفر از اساتید برجسته دانشگاه در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و صاحب‌نظران باتجربه در این زمینه را تشکیل می‌دهد. این افراد در مرحله اول خبرگان و متخصصین دانشگاه می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی (غیرتصادفی) برای دستیابی به مدل اولیه و در مرحله دوم، کارشناسان وزارت امور خارجه، اساتید دانشگاه در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (حجم نمونه: حدود ۵۰ نفر) به تعداد ۲۵۰ نفر است که تعداد ۵۰ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. سپس با استفاده از روش تحلیل مسیر، ضمن بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل، همبستگی معنی‌دار میان متغیرها در مدل بررسی شد و با استفاده از معادلات ساختاری و فرضیه‌های منتج از هریک و مقایسه عوامل مستقل و وابسته در مدل و تناسب آن با داده‌ها و نظرهای گروه‌های چهارگانه، مدل سه‌عاملی نهایی بررسی شد.

در چارچوب مشخص‌شده برای انجام تحقیق، اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی برگزیده شدند. براین اساس، ۲۵ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران شامل اساتید برجسته دانشگاه در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب شدند که سابقه آموزش و پژوهش در زمینه مشابه با موضوع تحقیق داشتند.

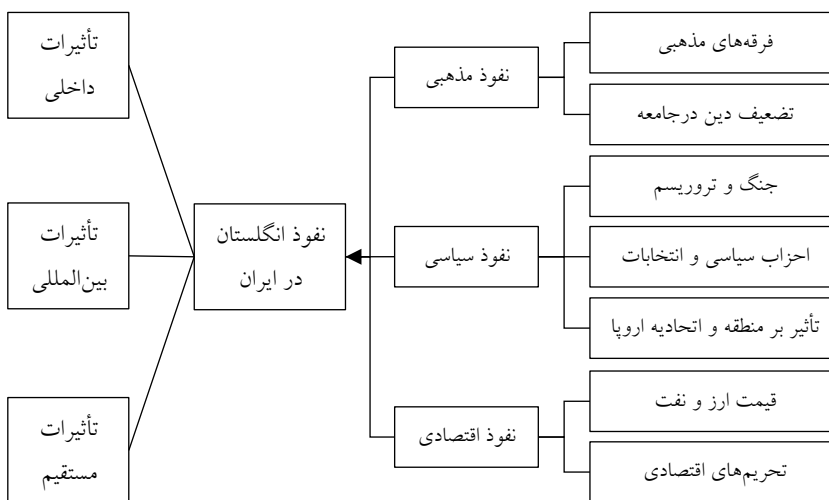
جدول ۲ سابقه کار اعضا را به تفکیک نوع، تعداد، بیشترین، کم‌ترین و میانگین آنها نشان می‌دهد. از بین این افراد که همگی دارای تحصیلات دکترا بودند، ۱۵ نفر از رشته علوم سیاسی و ۱۰ نفر از رشته روابط بین‌الملل بودند.



حوزه تخصصی و نوع کار	سابقه			تعداد افراد	رشته تخصصی
	میانگین	کمترین	بیشترین		
عضو هیئت علمی دانشگاه در حوزه غرب آسیا و اروپا	۱۸	۱۱	۲۴	۱۵	علوم سیاسی
عضو هیئت علمی دانشگاه در حوزه حقوق بین الملل	۱۲/۵	۹	۲۰	۱۰	روابط بین الملل
-	-	-	-	۲۵	جمع کل

در تمام مراحل، تعیین میزان اهمیت عوامل در قالب طیف لیکرت و شامل گزینه‌های «تأثیر بسیار کم: ۱»، «تأثیر کم: ۲»، «تأثیر متوسط: ۳»، «تأثیر زیاد: ۴» و «تأثیر بسیار زیاد: ۵» صورت گرفت. در هر دور نیز در مقابل هر عامل، میانگین پاسخ‌های اعضای پانل در دوره‌های پیش و پاسخ هر فرد نیز به صورت جداگانه به آگاهی پاسخگویان رسید. پرسشنامه مورد نظر برای تعیین روایی محتوا توسط استادان حوزه و دانشگاه مطالعه و تأیید و ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. همچنین نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌ها برای طراحی مدل سه‌عاملی خودکنترلی معیار ارزشیابی عملکرد مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

براساس اطلاعات به دست آمده و مطالعات انجام شده و نظرسنجی از خبرگان و نیز اصطلاحات انجام شده، مدل تحقیق به صورت زیر پیشنهاد می‌شود که کلیه مطالعات و تحلیل‌های آماری براساس این مدل صورت خواهد گرفت.



نمودار ۱. مدل تحقیق

نگاهی به گذشته ۳۰ ساله نشان می‌دهد که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و اروپا فراز و نشیب فراوانی را طی کرده است. با توجه به تعامل جمهوری اسلامی ایران با انگلستان در چارچوب روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و برگزاری چندین دور گفتگوهای طولانی میان طرفین، روابط فیما بین حاکی از چالش‌ها و موانعی بر سر راه این روابط بوده است. این چالش‌ها طی سال‌های اخیر از برجستگی بیشتری برخوردار شده است. جمهوری اسلامی ایران و انگلستان به علت قرار گرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، فاقد مبانی یک رابطه راهبردی می‌باشند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین‌المللی و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای ایران، ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه خوب و مناسب با اتحادیه اروپائی به وجود می‌آورد (عسکری، ۱۳۹۱). با توجه به وضعیت کشور در شرایط خاص پساجام و رویکردهای مختلف جامعه جهانی نسبت به جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی و بررسی روابط ایران با کشورهای قدرتمند از جمله انگلستان بسیار حائز اهمیت است. از آنجاکه روابط ایران با انگلستان همواره در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی دستخوش تغییرات و فرازونشیب‌های مختلف بوده است، لذا پیش‌بینی این روابط در سال‌های آتی می‌تواند افق‌های تازه‌ای را پیش روی سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران قرار دهد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی صحت و سقم اطلاعات برای هر نوع تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه در بیشتر تحقیقاتی که متکی بر اطلاعات جمع‌آوری شده از موضوع مورد تحقیق می‌باشد، تجزیه و تحلیل اطلاعات از اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش‌های تحقیق محسوب می‌شود. داده‌های خام با استفاده از فنون آماری تجزیه و تحلیل شده و پس از پردازش به شکل اطلاعات در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند.

فرایند اجرای روش دلفی

روش آماری

در این تحقیق برای پایداری پرسشنامه از آلفای کرونباخ و برای روایی پرسشنامه از مؤلفه آنالیز استفاده شد. بعد از شناسایی برای بررسی ارزیابی و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار "لیزرل" برای مدل‌سازی و شناسایی معیارهای نیکویی برازش و از نرم‌افزار "SPSS" برای تحلیل عاملی اکتشافی و به منظور استخراج عامل‌ها و به دست آوردن برآورد بارهای عاملی استفاده شد. سپس با استفاده از روش تحلیل مسیر، ضمن بررسی تأثیرات مستقیم و



غیرمستقیم عوامل، همبستگی معنی‌دار میان متغیرها در مدل بررسی شد و با استفاده از معادلات ساختاری و فرضیه‌های منتج از هریک و مقایسه عوامل مستقل و وابسته در مدل و تناسب آن با داده‌ها و نظرات گروه‌های چهارگانه، مدل سه‌عاملی نهایی، بررسی شد.

مقیاس اتفاق نظر

در این پژوهش، برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیئی یا فرد. درحقیقت با کاربرد این مقیاس، می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به‌ویژه در مطالعات مربوط به «روایی میان داوران» مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را براساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هریک از مقوله‌ها به‌کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاقی نظر دارند. این مقیاس با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$W = \frac{s}{\frac{1}{12}k^2(N^3 - N)}$$

که در آن:

حاصل جمع مربعات انحراف‌های R_j ها از میانگین R_j ها برابر است با:

$$s = \sum \left(R_j - \frac{\sum R_j}{N} \right)^2$$

R_j = مجموع رتبه‌های مربوط به یک عامل

k = تعداد مجموعه‌های رتبه‌ها (تعداد داوران)

N = تعداد عوامل رتبه‌بندی شده

حداکثر حاصل جمع مربعات انحراف‌ها از میانگین R_j ها = (یعنی حاصل جمع s که

در صورت وجود موافقت کامل بین k رتبه‌بندی مشاهده می‌شد)

$$\frac{1}{12}k^2(N^3 - N)$$

فن دلفی

براساس نظریات خبرگان در دور اول که به بررسی تأثیر و اهمیت عوامل مؤثر بر نفوذ انگلستان در ایران پرداختند، ۲۲ گویه در چهار عنوان اصلی نفوذ سیاسی، نفوذ مذهبی، نفوذ اقتصادی و نیز نفوذ فرهنگی و اجتماعی از مقالات، کتب و نوشته‌های بررسی‌شده اقتباس شد. در مرحله دوم فن دلفی، در این بررسی از خبرگان خواسته شد تا نظر خود را در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) بیان نمایند. سپس از

خبرگان خواسته شد تا به نتایج به دست آمده از مرحله اول امتیازهای ۱ تا ۵ بدهند. این مرحله به منظور اولویت‌دهی به گویه‌های عوامل مؤثر بر نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی طراحی شد. خلاصه داده‌های مورد بررسی در جدول ۳ آورده شده است. لازم به ذکر است امتیاز گویه‌ها از طریق مجموع تعداد افراد نظردهنده ضربدر عدد اولویت‌بندی محاسبه شده است.

جدول ۳. اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی

ردیف	عوامل مؤثر	گویه‌های مرتبط	جمع امتیاز	اولویت	تأیید
۱	نفوذ مذهبی	ایجاد فرقه‌های مذهبی	۶۴	۲	√
۲		القای حمایت از احزاب مذهبی	۴۸	۳	-
۳		تفرقه‌های دینی	۴۴	۴	-
۴		تضعیف دین در جامعه	۶۹	۱	√
۱	نفوذ سیاسی	جنگ‌ها و تروریسم	۷۳	۱	√
۲		احزاب سیاسی و انتخابات	۶۷	۲	√
۳		ساختار دوقطبی غرب آسیا	۲۴	۵	-
۴		فعال کردن سفارتخانه	۳۰	۴	-
۵		تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا	۶۳	۳	√
۱	نفوذ اقتصادی	تحریم‌های اقتصادی	۷۰	۱	√
۲		نوسانات قیمت ارز	۶۲	۲	√
۳		نوسانات قیمت نفت	۶۲	۲	√
۴		ورود شرکت‌ها و بانک‌های خارجی	۳۶	۳	-
۱	نفوذ اجتماعی و فرهنگی	تضعیف ملی‌گرایی	۳۲	۱	-
۲		افزایش روحیه مصرف‌گرایی	۲۷	۲	-
۳		کاهش تأثیر توافقنامه ژنو	۲۳	۴	-
۴		القای بی‌فرهنگی از طریق رسانه‌های اجتماعی	۲۵	۳	-

در مرحله سوم دلفی، مؤلفه‌هایی که از مبانی نظری شناسایی شدند و نیز مؤلفه‌هایی که خبرگان پیشنهاد دادند، مورد بررسی قرار گرفت و عامل نفوذ فرهنگی و اجتماعی با گویه‌های مربوطه و نیز برخی از گویه‌های مرتبط با نفوذ مذهبی، سیاسی و اقتصادی، حذف شدند. در این مرحله از خبرگان خواسته شد تا با اختصاص نمره در قالب طیف لیکرت موافقت یا مخالفت خود را با هریک از مؤلفه‌ها اعلام نمایند و نیز در مرحله دوم اولویت هرگویه را با اختصاص مهم‌ترین عامل رتبه ۱ و آخرین عامل به ترتیب اعداد بالاتر



جدول ۴. اولویت بندی نهایی عوامل مؤثر بر نفوذ انگلستان در ایران و گویه‌های مرتبط

اولویت	عوامل مؤثر	گویه‌های مرتبط	جمع امتیاز	میانگین ^۱	عدد کندال	میزان موافقت					وضعیت تأیید
						خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
						(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۱	نفوذ	جنگ‌ها و تروریسم	۶۹	۴/۶۰	۴/۷۵	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۲	سیاسی	احزاب سیاسی و انتخابات	۶۴	۴/۲۷	۴/۶۳	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۳		تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا	۶۲	۴/۱۳	۴/۲۹	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۱	نفوذ	ایجاد فرقه‌های مذهبی	۷۳	۴/۸۷	۴/۵۶	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۲	مذهبی	تضعیف دین در جامعه	۶۷	۴/۴۷	۴/۳۶	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۱	نفوذ	قیمت ارز و نفت	۶۹	۴/۶۰	۴/۲۳	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید
۲	اقتصادی	تحریم‌های اقتصادی	۶۲	۴/۱۳	۴/۰۶	۱۵	۰	۰	۰	۰	تأیید

بنابراین عوامل مؤثر بر نفوذ انگلستان در ایران و گویه‌های مرتبط آنها براساس داده‌های موجود انتخاب و تأیید شدند. این عوامل عبارتند از:

۱. نفوذ سیاسی با گویه‌های: جنگ و تروریسم، احزاب سیاسی و انتخابات و تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا؛

۲. نفوذ مذهبی با گویه‌های: ایجاد فرقه‌های مذهبی و تضعیف دین در جامعه؛

۳. نفوذ اقتصادی با گویه‌های: قیمت ارز و نفت و تحریم‌های اقتصادی.

در این پژوهش برای تحقق هدف اصلی و استخراج سناریوها از دو روش تحلیل اهداف و تحلیل روندها استفاده نموده‌ایم. ابتدا به بیان مؤلفه‌هایی که در نفوذ انگلستان از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۷ تأثیر داشتند، پرداختیم و آنها را در قالب عوامل مذهبی، سیاسی و اقتصادی بیان نموده‌ایم. منظور از عوامل مذهبی در این تحقیق، عوامل متعددی نظیر ایجاد فرقه‌ها و احزاب مذهبی، تفرقه‌های دینی و تضعیف دین در جامعه است که بین این مؤلفه‌ها، ایجاد فرقه‌ها و احزاب مذهبی و تضعیف دین در جامعه دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند. منظور از عوامل سیاسی؛ وجود جنگ‌های منطقه و جنگ تحمیلی، اقدامات تروریستی، القای حمایت از برخی احزاب سیاسی، تحریم و یا القای تقلب در انتخابات، ساختار دوقطبی غرب آسیا، فعال‌کردن سفارتخانه و تأثیر بر اتحادیه اروپا و غرب آسیا مطرح شد که سه عامل جنگ و تروریسم، احزاب سیاسی و انتخابات و تأثیر بر اتحادیه

۱. میانگین امتیاز از طریق تقسیم امتیاز کسب‌شده تقسیم بر ۱۵ (تعداد خبرگان) محاسبه شد.

اروپا و غرب آسیا به‌عنوان عوامل سیاسی نفوذ انگلستان در ایران برشمرده شدند. منظور از عوامل اقتصادی؛ تحریم‌های اقتصادی، نوسانات قیمت ارز و نفت و ورود شرکت‌ها و بانک‌های خارجی است که دو عامل تحریم‌های اقتصادی و نوسانات قیمت ارز و نفت دارای بیشترین اهمیت بودند. منظور از عامل اجتماعی و فرهنگی؛ تضعیف ملی‌گرایی، افزایش روحیه مصرف‌گرایی، کاهش تأثیر توافقنامه ژنو و القای بی‌فرهنگی از طریق رسانه‌های اجتماعی مطرح شد که هیچکدام از اهمیت بالایی برخوردار نشدند.

به این نتیجه دست یافتیم که نفوذ و تهدیدات سیاسی، اقتصادی و مذهبی، محور زمینه نفوذ و پایه تحولات اخیر محسوب می‌شوند و همین امر زمینه لازم را برای نفوذ انگلستان در ایران فراهم نموده است. براساس تحلیل روندها به این نتیجه رسیدیم تا زمانی که این تهدیدات از بین نروند همچنان ما شاهد فرایند نفوذ در ایران خواهیم بود. انگلستان با طرح غرب آسیا که ارائه داده، درصدد بوده است که نظم موردنظر خود را در این منطقه پیاده کند. با توجه به مدلی که ترسیم شد، نشان دادیم که این طرح بر سه محور: سیاست، اقتصاد و مذهب بنا نهاده شده است. بنابراین، این امر برای انگلستان و همدستانش که طراح این سیاست بود، بسیار آشکار و واضح بوده که پیامدهای چنین طرحی را بداند و برنامه‌هایی را برای هدایت این تحولات و به‌حداکثر رساندن منافع خود داشته باشد. اگرچه اقدامات پیشگیرانه و دفاعی که براساس تفکرات منطقی و تصمیم‌گیری‌های سیاست‌مداران کشور و تحت توجهات مقام معظم رهبری صورت گرفت، راه را برای نفوذ بیشتر انگلستان، امریکا و همدستانشان بست. براین‌اساس، به هراندازه که حکومت ایران راه را برای وجود اختلاف بین مذاهب و احزاب سیاسی باز کند، به همان اندازه راه برای نفوذ انگلستان بیشتر خواهد شد. اتحاد و یکپارچگی احزاب براساس منویات قانون اساسی، حفظ امنیت داخلی و امنیت در مرزهای کشور جهت جلوگیری از جنگ و پدیده تروریسم و نیز تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و بجا در مقابل آشوب‌ها و تحریکات منطقه‌ای، کنترل قیمت نفت و ارز و نیز مقابله هوشمندانه با تحریم‌های اقتصادی و اطاعت منطقی از مفاد قطعنامه ژنو، همگی از مواردی است که می‌تواند مانع از نفوذ انگلستان در ایران شود.

اعتباربخشی به نتایج تحقیق

پایایی و روایی پرسشنامه

روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، به‌کار می‌رود.



در این گونه ابزار، پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. به‌منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد (پایایی)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ یک نمونه اولیه شامل ۲۲ پرسشنامه پیش‌آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری "SPSS" میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ برای این ابزار محاسبه شد. در این قسمت، ساختار و پایایی پرسشنامه براساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین می‌گردد. خلاصه نتایج در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. بررسی ساختار و پایایی پرسشنامه

متغیر	بعد	تعداد سؤالات	الفای کرونباخ (بررسی پایایی پرسشنامه)
نفوذ انگلستان در ایران	(تأثیرات داخلی، تأثیرات بین‌المللی و تأثیرات مستقیم)	۶ سؤال	۰/۷۱۴
نفوذ مذهبی	(فرقه‌های مذهبی، تضعیف دین در جامعه)	۳ سؤال	۰/۷۵۴
نفوذ سیاسی	(جنگ و تروریسم، احزاب سیاسی و انتخابات، تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا)	۸ سؤال	۰/۸۱۱
نفوذ اقتصادی	(قیمت ارز و نفت، تحریم‌های اقتصادی)	۳ سؤال	۰/۷۷۸

نتایج در مرحله تعیین روایی ظاهری حاکی از آن بود که درصد نمرات به‌دست‌آمده برای مربوط بودن در تمامی عبارات پرسشنامه بالاتر از ۱۰۰ درصد بوده است. همچنین در قسمت واضح بودن، حداقل و حداکثر درصد نمره کسب‌شده به ترتیب ۷۸ و ۱۰۰ درصد بود. در طبقه ساده بودن عبارات پرسشنامه حداقل درصد نمره ۸۵/۳ درصد و حداکثر آن ۱۰۰ درصد به‌دست آمد. در مورد روایی محتوایی با استفاده از فرمول لاواشه^۱ میزان روایی هر سؤال مشخص شد. البته در مورد این پرسشنامه همه سؤالات، در قسمت اول هر سؤال، همه خبرگان، گزینه «ضروری است» را علامت زده‌اند که این نشان‌دهنده "CVR" برابر با یک برای همه سؤالات است.

باتوجه به اینکه عوامل شناسایی‌شده در مرحله اول تحقیق عبارتند از: نفوذ مذهبی (ایجاد فرقه‌های مذهبی و تضعیف دین در جامعه)، نفوذ سیاسی (جنگ و تروریسم، احزاب سیاسی و انتخابات و تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا)، نفوذ اقتصادی (قیمت ارز و نفت و تحریم‌های اقتصادی) و نفوذ فرهنگی و اجتماعی (تضعیف ملی‌گرایی، افزایش روحیه مصرف‌گرایی، کاهش تأثیر توافقنامه ژنو و القای بی‌فرهنگی از طریق رسانه‌های اجتماعی)، ولی براساس نتایج حاصل از تحلیل فن دلفی عامل نفوذ فرهنگی و اجتماعی به‌دلیل



پایین بودن میانگین نسبت به سایر عوامل از تحلیل نهایی حذف شد. لذا در تحلیل نهایی فقط نفوذ مذهبی، نفوذ سیاسی و نفوذ اقتصادی با نفوذ انگلستان در ایران مورد بررسی قرار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت به بررسی و اثبات فرضیه‌های موجود در این تحقیق خواهیم پرداخت. این فرضیه‌ها عبارتند از:

فرضیه اول: بین نفوذ مذهبی و نفوذ انگلستان در ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نفوذ سیاسی و نفوذ انگلستان در ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین نفوذ اقتصادی و نفوذ انگلستان در ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۶. بررسی ساختار و پایایی پرسشنامه

نفوذ انگلستان در ایران			روش‌های نفوذ
نتیجه آزمون	T-Value = ضریب معنی داری	ضریب مسیر	
تأیید شد	۸/۲۳	۰/۵۴	نفوذ مذهبی
تأیید شد	۱۱/۸۲	۰/۴۸	نفوذ سیاسی
تأیید شد	۹/۶۴	۰/۴۹	نفوذ اقتصادی

در آزمون ضریب تأثیر (مدل‌یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معنی داری (T) برابر با ۸/۲۳ است که بزرگتر از میزان ۱/۹۶ می‌باشد، پس آمار آزمون در ناحیه H_1 واقع می‌شود و می‌توان نتیجه‌گیری کرد متغیر مستقل (نفوذ مذهبی) با متغیر وابسته (نفوذ انگلستان در ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰/۵۴ و معنی دار است.

در آزمون ضریب تأثیر (مدل‌یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معنی داری (T) برابر با ۱۱/۸۲ است که بزرگتر از میزان ۱/۹۶ می‌باشد، پس آمار آزمون در ناحیه H_1 واقع می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت متغیر مستقل (نفوذ سیاسی) با متغیر وابسته (نفوذ انگلستان در ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰/۴۸ و معنی دار است.

در آزمون ضریب تأثیر (مدل‌یابی معادلات ساختاری) میزان ضریب معنی داری (T) برابر با ۹/۶۴ است که بزرگتر از میزان ۱/۹۶ می‌باشد، پس آمار آزمون در ناحیه H_1 واقع می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت، متغیر مستقل (نفوذ اقتصادی) با متغیر وابسته (نفوذ انگلستان در ایران)، رابطه مستقیم و مثبت دارد، میزان مذکور ۰/۴۹ و معنی دار است.



بنابراین، براساس، سناریوهایی مربوط به محیط امنیتی ایران از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۵ چند سناریوی عمده طراحی خواهد شد که این سناریوها در این بخش در قالب فرصت‌ها و چالش‌هایی است که در موضوع نفوذ انگلستان در ایران به‌وجود آمده است.

جدول ۷. سناریوها و مؤلفه‌های مؤثر در موضوع نفوذ انگلستان در ایران

عنوان	بدبینانه	بی‌طرفانه	خوش‌بینانه
تغییر در محیط راهبردی ایران	تغییر راهبردی در محیط راهبردی داخلی (زاماداران، رویکرد، و نظام سیاسی)	تغییر تدریجی و اصلاحات محیط داخلی بنابر الزامات و مقتضیات داخلی و بین‌المللی	تغییر در نگرش دولت مردان نسبت به محیط بین‌المللی و به‌کارگیری واقع‌گرایی در عمل
تغییر در محیط راهبردی منطقه‌ای ایران	عدم تغییر در نظام سیاسی کشورهای غرب آسیا و بازگشت به اقتدارگرایی	تغییر تدریجی محیط داخلی کشورهای منطقه بنابر تغییر در مبنای مشروعیت، هویت، امنیت، و رفتن به سمت حکومت‌های کارآمد و دموکراتیک	تغییر اساسی در محیط راهبردی (تغییر زمامداران، رویکردها، نظام سیاسی) به سمت حکومت‌های دموکراتیک و مبتنی بر قانون
الگوهای مدیریت منازعه	براساس قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نادیده‌گرفتن ایران	موازنه قوا با حضور دولت‌های فرامنطقه‌ای و مشارکت دولت‌های منطقه و مشارکت دادن ایران	به‌وجود آمدن یک نظم منطقه‌ای با مشارکت کشورهای منطقه برای حل بحران‌ها
الگوهای تعاملی	ستیز	همکاری - رقابتی	همکاری

درمورد سناریوی تغییر در محیط راهبردی ایران باید گفت، در صورتی که این محیط از جایگاه زمامداران دچار تغییر شود و یا رویکرد و نظام سیاسی آن دچار تحول شود، ممکن است به تغییر تدریجی سیاست داخلی و خارجی منجر شود و اصلاحاتی در آن ایجاد گردد و تعامل دولت با جامعه بین‌الملل تحت‌تأثیر قرار گیرد. درمورد سناریوی دوم، تغییر در محیط راهبردی منطقه‌ای ایران می‌تواند این‌گونه بیان کرد که با تغییر راهبرد ایران، نظام سیاسی کشورهای غرب آسیا دچار تحول می‌شوند و ممکن است که بگوییم ایران به اقتدار قبلی خود دست خواهد یافت. این تغییر تدریجی محیط داخلی کشورهای منطقه می‌تواند به تغییر در مبنای مشروعیت، هویت و امنیت منجر شود و یا مسیر دستیابی به سمت حکومت‌های کارآمد و دموکراتیک را هموارتر نماید. درمورد سناریوی سوم، الگوهای مدیریت منازعه که مبتنی بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نادیده‌گرفتن ایران است، موازنه قوا با حضور دولت‌های فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد و دولت‌های منطقه و ایران در این تقابل مشارکت می‌نمایند که خوشبینانه است که بگوییم یک نظم منطقه‌ای با مشارکت



کشورهای منطقه برای حل بحران‌ها ایجاد خواهد شد. درمورد الگوی چهارم یعنی الگوی تعاملی باید گفت که این الگو مبتنی بر ستیز بنا نهاده می‌شود و یک همکاری رقابتی در سطح منطقه ایجاد شده و خوشبینانه است بگوییم که یک همکاری مطلوب و منطقه‌ای ایجاد خواهد شد.

در رابطه با تحقق هریک از سناریوها باید اشاره کرد که سیاست خارجی ایران بسیار تأثیرگذار است، در صورتی که دولت، توسعه‌گرایی و واقع‌گرایی را به‌عنوان هدف سیاست خارجی خویش تعریف کند. چنانچه حل و فصل اختلافات داخلی و به‌وجود آمدن همسویی گفتمانی در ایران و جامعه بین‌المللی شکل بگیرد، این امر به سناریوی خوش‌بینانه در مناسبات ایران و محیط منطقه‌ای منجر می‌شود. در صورتی که در فضای منطقه‌ای، اقدام‌ها و پیمان‌های نظامی - امنیتی و به‌هم‌خوردن وضع موجود منطقه‌ای مدنظر باشد که بروز آنها ماهیت تعاملات جهانی را تحت تأثیر قرار دهد، بازیگران را به سوی سیاست‌های حاد امنیتی سوق خواهد داد. تداوم و تشدید رویکردهای نظامی - امنیتی در محیط راهبردی منطقه‌ای، به تشدید سیاست‌ها و رفتارهای منازعه‌آمیز میان بازیگران منجر می‌شود. تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران در فرهنگ هابزی است. در این وضعیت قدرت نظامی در اولویت اول قرار می‌گیرد و معمای امنیتی شدیدتر و بدبینی کشورها به هم افزایش می‌یابد. در چنین فرهنگی، هریک از کشورها نسبت به اقدامات دیگران بدبین بوده و درصد افزایش قدرت نظامی خود است. فرهنگ هابزی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی است. مانند دوره جنگ سرد، بازی امنیتی به رقابت تسلیحاتی و تلاش برای دستیابی به فناوری‌های پیشرفته نظامی در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون منجر می‌شود و عملاً به بازی حاصل جمع صفر در مناسبات کشورها می‌انجامد. اگر در محیط منطقه‌ای رویکرد نظامی - امنیتی غلبه یابد، احتمال بروز تنش و منازعه میان ایران و دولت‌های دیگر به‌شدت افزایش خواهد یافت و ایران در شرایط حاضر باید تلاش کند که از امنیتی‌شدن ایران از طریق اعتمادسازی متقابل، تنش‌زدایی و بازدارندگی سیاسی جلوگیری کند و در سطح داخلی باید به تقویت هویت ملی از طریق جلوگیری از شکل‌گیری شکاف ارزشی بین حکومت و ملت و تأیید و تحکیم عناصر و مؤلفه‌های اسلامی و ایرانی هویت‌بخش به ملت و مردم ایران و نیز به افزایش مشروعیت و مقبولیت نظام به‌وسیله کارآمد ساختن و پاس‌خگویی دولت به نیازها و مطالبات مردم به‌ویژه نسل جوان، ارتقا و افزایش روحیه ملی، به‌معنای حمایت ملت از سیاست‌های دولت با افزایش اعتماد ملی، مشروعیت سیاسی و مقاومت مدنی در برابر چالش‌های خارجی و آسیب‌های داخلی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته با هدف جلوگیری از رشد



گرایش‌های گریز از مرکز بپردازد. ایران برای افزایش محیط امنیتی ابتدا باید ساختارهای داخلی خود را مورد بازبینی قرار دهد و عواملی را که منجر به ناکارآمدی ساختارهای داخلی می‌شود، شناسایی کند تا بتواند به ارتقای قدرت ملی ایران در سطح منطقه دست یابد.

نتیجه‌گیری

سیاست نفوذگرایانه انگلستان در کشورهای غرب آسیا از جمله ایران از دیر باز تاکنون در سرخط کنش‌های سیاسی دنیا بوده است و کماکان سعی بر این فرایند دارد. در تشریح این فرایند می‌توان به مؤلفه‌های زیر به‌عنوان نشانه‌ها و یا ویژگی‌های آن اشاره کرد:

۱. اثر ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست آمریکا و اتحادیه: در اثر فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و بهبود موقعیت جهانی آمریکا با نقش مثالی یک ابرقدرت و متحد نزدیک انگلیس و اتحادیه پس از جنگ سرد، با وجود فقدان تهدید اتحاد شوروی علیه اروپا، این اتحادیه همچنان در برابر تهدیدهای نوین نسبت به امنیت خود، به قدرت و توانایی‌های انگلستان و آمریکا احساس نیاز می‌کند و این نیازمندی نیز متضمن نوعی پیروی از سیاست‌های کلی این دو کشور به‌خصوص در رابطه با ایران بوده است.

۲. پذیرش نسبی نقش رهبری آمریکا و انگلستان: با توجه به پذیرش نقش رهبری آمریکا و انگلستان از سوی اتحادیه و به‌ویژه بریتانیا در بحران‌های منطقه‌ای و جهانی و با توجه به سیاست‌های تهاجمی آمریکا نسبت به ایران پس از جنگ سرد، انگلستان و آمریکا موفق شده‌اند با ائتلاف‌سازی با متحدان خود از امکانات و اطلاعات اتحادیه در تقابل با ایران و در راستای اهداف سیاست خارجی خود، بهره‌برداری نمایند. نفوذ انگلیس بر اتحادیه، بستر مساعدی را برای این امر فراهم ساخته است.

۳. تشدید رویارویی اتحادیه و انگلیس با ایران: در این دوره شاهد تشدید رویارویی‌های اتحادیه و انگلستان با ایران به‌تبع سیاست آمریکا بوده‌ایم که در سال‌های اخیر، برخورد با برنامه‌های هسته‌ای و نیز اعمال تحریم‌های یکجانبه، ائتلافی و بین‌المللی علیه ایران، مؤید چنین روندی است.

در مجموع، انگلستان در سیاست‌گذاری‌های اخیر خود که در همراهی با آمریکا صورت گرفته، روند سیاست‌گذاری منفی علیه ایران را در پیش گرفته است و چنانچه موقعیت جهانی آمریکا و انگلستان در دوره پس از جنگ سرد همچون سال‌های اولیه روبه‌بهبود باشد، تلقی این است که اتحادیه نیز چاره‌ای جز ارسال علائم همکاری جویانه و همراهی در برخورد تهاجمی‌تر انگلستان و آمریکا با ایران ندارد. انگلستان بنا به موقعیت دیرینه‌ای که در



اروپا داشته، باعث جهت‌گیریهای منفی و یا مثبت اتحادیه درقبال ایران خواهد شد، اما در چنین مرحله‌ای چنانچه این وضعیت تغییر یابد و جایگاه امریکا تنزل یابد و یا با چالش روبه‌رو شود، اتحادیه نیز نقش مؤثرتری و حتی نقش رهبری ایفا می‌کند.

براساس مطالعات انجام‌شده و آزمون‌های آماری انجام‌شده درباره مؤلفه‌های نفوذ انگلستان در ایران به محوریت سه عامل نفوذ سیاسی، اقتصادی و مذهبی، موارد زیر بیان می‌شود:

۱. مطالعات انجام‌شده در این تحقیق نشان داد که عوامل سیاسی مؤثر در نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی در سال‌های ۲۰۲۵ - ۱۹۷۹ عبارتند از: جنگ و تروریسم، احزاب سیاسی و انتخابات و تأثیر بر منطقه و اتحادیه اروپا.
 ۲. مطالعات انجام‌شده در این تحقیق نشان داد که عوامل مذهبی مؤثر در نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی در سال‌های ۲۰۲۵ - ۱۹۷۹ عبارتند از: ایجاد فرقه‌های مذهبی و تضعیف دین در جامعه.
 ۳. مطالعات انجام‌شده در این تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی مؤثر در نفوذ انگلستان در ایران با رویکرد امنیتی در سال‌های ۲۰۲۵ - ۱۹۷۹ عبارتند از: قیمت ارز و نفت و تحریم‌های اقتصادی.
- معنی‌داری و رابطه مثبت تمامی عوامل فوق (سیاسی، مذهبی و اقتصادی) با نفوذ انگلستان در ایران مورد بررسی قرار گرفت و اثبات شد.

منابع

- احتشامی، انوشیروان و هینه‌بوش، ریموند (۱۳۹۰). **سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه**، ترجمه رحمن قهرمان‌پور و مرتضی مساح، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- بارز، همایون (۱۳۶۵)، **نظام حکومتی انگلستان**، **مجله سیاست خارجی**، سال اول، ش ۱: ۷۳ - ۹۵.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده و دیگران (۱۳۹۴)، **تحلیل روند بازارهای مالی در شرایط وقوع تحولات محیطی**، **فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت**، سال ۲۶، ش ۱۰۵: ۸۲ - ۵۹.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، **روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران**، تهران: انتشارات آوای نور.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، **آینده‌چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، **نقش انگلستان در تحدید مرزهای عراق و کویت به‌روایت اسناد وزارت خارجه انگلیس**، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال چهارم، ش ۳: ۱۹۶ - ۱۶۳.



- حسینی متین، سیدمهدی (۱۳۸۷)، رویکرد و پایه‌های نظری و عملی سیاست خارجی انگلیس نسبت به جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و دوم، ش ۳: ۶۲۳-۶۵۲.
- خانی، محمدحسن و نوری ساری، حجت‌اله (۱۳۹۲)، رفتارشناسی دولت انگلستان در قبال انقلاب اسلامی ایران، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال دوم، ش ۷: ۱۴۳-۱۲۵.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰)، الزامات بین‌المللی، ملاحظات داخلی و سقوط پان‌عربیسیم، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال هجدهم، ش ۳: ۲۴-۵.
- روشندل، جلیل و سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۲)، **تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ دوم.
- عباسی، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۹۳)، **تحلیل تأثیر روند در آینده پژوهی**، سومین همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران.
- عسکری، نرجس (۱۳۹۱)، **جایگاه انگلستان در سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا در قبال ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فاتح‌راد، مهدی و همکاران (۱۳۹۳)، **مختصات روش‌شناختی فرارشته آینده‌پژوهی به‌مثابه یک پارادایم یکپارچه**، **فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره ۶، سال ۱.
- میرخلیلی، سیدحسین (۱۳۹۴)، **درآمدی بر کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست**، **فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش**، ش ۲۴.
- Pacinelli, A. (2009) *Statistical Modeling: From Time Series to Simulation*, In: Gordon, T. J., & Glenn, J. C., (Eds.), *Futures research methodology*. Millennium Project of the American Council for the United Nations University. Version 3.
- Solomon Richard H. and Quinney Nigel. (2010); *American Negotiation Behaviour*, Washington: United States institute for Peace.

